

آيينه مهر

يادواره استاد سعادتملوك تابش

به كوشش

رفيع اصيل يوسفی



انتشارات بدخشان

سرشناسه: اصیل یوسفی، محمدرقیع، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: آئینه مهر: یادواره استاد سعادتملوک تابش هروی / به کوشش رفیع اصیل یوسفی؛
[به سفارش امور فرهنگی، هنری] مؤسسه خیریه امام جواد (ع)، کانون هنرهای زیبا، اندیشه و دانش.
مشخصات نشر: مشهد: بدخشان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۳۰۳ ص:، مصور، عکس؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سانتیمتر.
شابک: ۰-۶-۹۳۱۶۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: یادواره استاد سعادتملوک تابش هروی.
موضوع: تابش، سعادتملوک، ۱۳۳۰-۱۳۸۹.
موضوع: نویسندگان افغانی - قرن ۱۴
شناسه افزوده: مؤسسه خیریه امام جواد (ع): امور فرهنگی هنری
شناسه افزوده: کانون هنرهای زیبا، اندیشه و دانش
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۲ ی ۲ الف / ۹۰۰۸ PIR
رده بندی دیویی: ۸۶۲ / ۸ قد ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۸۷۵۲۴



انتشارات بدخشان

● آیینۀ مهر ● یادنامۀ استاد سعادتملوک تابش
● به کوشش رفیع اصیل یوسنی

مهتمم: مؤسسۀ خیریه امام جواد(ع) - کانون هنرهای زیبا، اندیشه و دانش

- حروفنگاری: میرویس رضا زاده ○ ویرایش: غلامرضا ابراهیمی
- تصویر روی جلد: محمدناصر طالب ○ خوشنویسی روی جلد و پشت جلد: نجیب‌الله انوری
- صفحه‌آرایی: محمدکاظم کاظمی ○ گرافیک: وحید عباسی
- لیتوگرافی: شایان ○ چاپ: شمس
- چاپ اول، ۱۳۹۱ ○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ○ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مشهد، خیابان سعدی، پاساژ مهتاب، پلاک ۳۸، کتاب هیواد
تلفن: ۰۵۱۱) ۲۲۸۳۰۲۱ - ۰۹۱۵۸۱۰۴۴۹۴ - نشانی الکترونیک: hivadbook@yahoo.com

ISBN: 978 - 600 - 93169 - 6 - 0

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۳۱۶۹ - ۶ - ۰

مقدمه..... ۹

مقالات، خاطرات و دیدگاهها..... ۱۵

با یار آشنا، سخن آشنا بگو / محمدرفیع اصل یوسفی..... ۱۷

ای سینه علم از دل دانای تو روشن / محمدرفیع اصل یوسفی..... ۲۹

خورشیدی که غروب کرده، اما هنوز می تابد / ساغر افشارزاده..... ۳۵

یادی از خورشید و تابندگی او / خلیل الله افضلی..... ۳۷

صدای عدل و آزادی تویی، تو / محمدظاهر اکبری..... ۳۹

او ابرار گونه زیست / محمدضیاء بدیعی..... ۴۵

تابش، رجلی که رجاله نشد / احمد بهزاد..... ۴۷

شد دل عارف به معنی چون چراغ / محمدشاه پیرزاد..... ۵۳

که کیمیای سعادت رفیق بود، رفیق / نعمت الله ترکانی..... ۵۵

سیاستمداری دگراندیش / بصیر احمد حسین زاده..... ۵۹

تابش جایزه نوبل نگرفت / سعید حقیقی..... ۷۱

- ۷۵..... تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم / حیات الله حیدریان
- ۷۹..... دل به دل راه دارد / احمد خطاط هروی
- ۸۱..... این شعر ادامه دارد / محمد آصف رحمانی
- ۸۵..... الگوی از دست رفته / سید محمد ابراهیم سجادی
- ۸۹..... در نبود یک دوست / سید ضیاء الحق سخا
- ۹۱..... صبح وصل از افق مهر برآید روزی / عبدالناصر صوابی
- ۹۳..... همه دانند که در محبت گل خاری هست / علی عبداللهمی
- ۹۵..... یادی از دوست دانشمند و دانش دوست / سید حیدر علوی نژاد
- ۹۹..... شمع بزم فرهنگیار هرات / محمد آصف فکرت
- ۱۰۵..... درنگی در شخصیت شعری سعادت ملوک تابش / محمد کاظم کاظمی
- ۱۱۳..... سفری از شعر «مادر پیر» تا «هوای قفس» / محمد شعیب مجددی
- ۱۳۷..... سنگ و ستاره / میر محمد یعقوب معنوف
- ۱۴۱..... وارستهای سترگ و روشنفکری دردمند / غلام سخی مصباح هراتی
- ۱۴۷..... آن بیدارگر زمانه / محمد هاشم معتمدی
- ۱۴۹..... تابش، ستاره‌ای که خوب درخشید / سید عبدالحمید معصومی
- ۱۵۳..... استاد تابش، شخصیت متمرکز به خویش / سید طالب مظفری
- ۱۶۳..... فقدان تابش، شهری را به سوگ نشاند / محمود منجم زاده
- ۱۶۹..... غروبی در قاب شام هری / محمود منجم زاده
- ۱۷۳..... مرگ پایان کبوتر نیست / پرتو نادری
- ۱۷۹..... تابش هم رفت / لطیف ناظمی
- ۱۸۷..... سفری تا سرچشمه خورشید / محمد ناصر ناهض تیموری
- ۱۹۱..... و این سکنه، ملیح نبود! / گل احمد نظری آریانا
- ۲۱۰..... اسوه صبر و پاکی / فرید احمد نظریان
- ۲۱۵..... جلوه‌های دانش تابش / محقق عبدالغنی نیک‌سیر
- ۲۲۱..... در برج سکوت، شور آوازی هست / نورالله وثوق
- ۲۲۵..... چه به از لطف سخن و طبع سلیم / میر فضل‌الدین یعقوبی

تابش در شعر شاعران.....	۲۳۹
سید محمود ابوالمعالی.....	۲۴۱
محمد حسن حسین زاده.....	۲۴۵
علی شاه حکیمی هروی.....	۲۴۷
امام محمد حنفی دشتی هروی.....	۲۴۹
حیات الله حیدریان.....	۲۴۲
محمد ظاهر رستمی هروی.....	۲۴۳
میرویس رضا زاده.....	۲۴۵
فضل الله زرکوب.....	۲۴۷
عبدالله شفیقی.....	۲۵۰
نظام الدین شکوهی.....	۲۵۱
علی عبداللهی.....	۲۵۵
محبوب غلامی.....	۲۵۶
استاد براتعلی فدایی هروی.....	۲۵۸
سید امیر موسوی ناصری.....	۲۶۲
محمد ناصر ناهض.....	۲۶۷
امان الله واسعی.....	۲۶۹
اسدالله یوسفی فرهاد.....	۲۷۰
دل سروده ها (گزیده‌ای از سروده‌های سعادت‌ملوک تابش).....	۲۷۳
تصویرها.....	۲۹۳

مقدمه

به اقبال حضورت صد گلستان عیش در چنگم
مشو غایب که چون آینه از رخ می‌پرد رنگم
به رنگ سایه از خود غافلم، لیک این قدر دلم
که پنهان شوم، نورم، و گر پیدا، همین رنگم

(بیدل)

دو سال از رحلت اندیشمندی متعهد، متفکری دردمند و آگاه گذشت. همو که با سخنوری و سحر کلام عارفانه‌اش، خطابه‌های پرشور و جذاب، اشعار و نوشته‌های ظلم ستیز و انقلابی‌اش، نقش مهمی در بیداری اسلامی نسل جوان و جامعه مهاجر افغانستان داشت. سعادت‌ملوک تابش در طول دوران حیات پرشور و کوتاهش خود را از هیچ قبیله، نژاد و سرزمینی نخواند. او خود را فرزند زمانه خود می‌دانست و می‌خواست که نقشی ماندگار در حوزه عرفان، فرهنگ و هنر دیار دردمندش از او به یادگار ماند.

او صادقانه تلاش ورزید که موارث ارزشمند فکری، فرهنگی و معنوی مردم خود را حفظ و با حفظ اصالت‌های گذشته حرفی نو برای گفتن به نسل جدید معاصر خود داشته باشد. تابش دانشوری متدین و از معدود روشنفکران دینی بود که در دام تعصب گرفتار نشد. وی در جریان نوپای روشنفکری دینی، گامهای بلندی برداشت و در باب چیستی، خصوصیات و آفات جریان روشنفکری مطالب فراوانی نوشت، بر زبان آورد و یا در ساغر گوشه‌ایان نیوشاند.

تابش در حوزه‌های فلسفه، تمدن و تفکر دوران معاصر به تحقیق و پژوهش پیوسته دست برد و فردی پر جنب و جوش و دل بسته به قلم و اندیشه بود. او علاقه مفرطی به احیای حوزه فرهنگی خراسان بزرگ در محوریت افغانستان مستقل، آزاد و رها و برخوردار از عدالت اجتماعی و توسعه همه جانبه معنوی و مادی داشت و آبادی و بازسازی را وظیفه مردم و معماری فکری جامعه را متوجه علما، آگاهان دینی و تحصیلکردگان دانشگاهی می‌دانست.

و اما تابش را باید فریاد فروخته تاریخ دردبار و محنت‌زای نیم قرن اخیر دانست. و کمتر چهره‌ای چون او را می‌توان سراغ گرفت که در چند جبهه و سنگر رزمیده باشد و لحظه‌ای میدان را خالی نکرده باشد. برش از غفلت و سیر قهقرای مسلمین و توجه به غرب‌زدگی و حضور دین در عرصه حیات اجتماعی و نقش ماندگاری و کارکرد دین در زندگی بشر، رابطه تجدد و دینداری و فهم دقیق دین و شریعت از اساسی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های او بود.

تابش در باب رسالت و مسئولیت روشنفکران نیز مطالب فراوانی گفته و نگاشته، شناخت دین و مذهب، معرفی مکاتب انحرافی، درک درست محیط و جامعه، بازیابی خویشتن خویش و بازگشت به ریشه‌ها، رستن

از حقارت و بازیافتن شخصیت تاریخی، خودآگاهی و آگاهی بخشیدن به عموم افراد و طبقات جامعه، رجوع به وحدت کلمه و بازگشت واقعی به ارزشهای دینی و اجتماعی در پرتو انسجام اجتماعی را از نیازهای اصولی و انسانی عصر ما می‌دانست؛ و کسب چنین معارفی را حتی از به دست آوردن نان شب هم واجب‌تر می‌پنداشت و عمق مصیبت و فاجعه نازل شده برای یک کشور و ملت از زمانی می‌دانست که ملتی ناآگاهانه در دام روزمره‌گی، بی‌هویتی، بی‌مسئولیتی، بی‌کفایتی و بی‌اعتقادی گرفتار آید.

او رسالت اولیه روشنفکران دینی در شرایط فعلی را احیای اسلام اصیل و احیای ارزشها می‌دانست و بر این باور بود که اسلام عزیز رهبری آینده بشریت سردرگم و رهاشده را بر عهده دارد. آگاهی‌بخشی از مکتب و مذهب را یک وظیفه عینی و ضروری تلقی می‌نمود و می‌گفت: «هر کس که در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کند از راه همان رشته یک نگاه تازه به این ارزشها و شخصیت‌های بزرگ این حوزه، این تاریخ و این دستاوردها بیندازد.» و عمیقاً معتقد بود که علما و دانشمندان و روحانیون باید فکرشان و عملشان معقول و موثر در عاطفه و رفتارشان باشد تا بتوانند مسیر رشد و هدایت را هموار نگه دارند. و یاد آور می‌شد که: «همیشه سخت‌ترین قدم، قدم اول است.»

به همین جهت شناختن و شناساندن متفکری مانند تابش در این دور و زمانه نیز از عمده تکالیف متفکران، روشنفکران و علمای راستین به شمار می‌رود.

تابش متفکری والا، شاعری توانا و سیاستمداری دانا بود. درد اجتماع و محیط خود را به خوبی احساس می‌کرد و اثر تازیانهای استعمار را بر دوش مردم می‌دید و ای بسا که لمس می‌کرد. او از ناپسانمائی‌ها، پراکندگی‌ها و بی‌تفاوتیهای مسلمانان آنها در دل داشت و اخگرها در جگر. و همواره

تأکید داشت که جهاد راهی به سوی شهادت و اجتهاد علمی پلی به سوی غنای فرهنگی است. و این دو پدیده می‌توانند ضربه‌های مهلکی بر پیکر استعمار جهانی وارد سازد.

تابش معتقد بود که استعمار سرخ و سیاه، متحدانه برای چهار هدف، استراتژی واحدی دارند.

ایجاد تفرقه همه جانبه در جهان اسلام

جداکردن دین از جوامع اسلامی

جلوگیری از رشد فکری و علمی مسلمانان

از بین بردن روحیه شهادت جهاد و استقامت

اشعار تابش که ملهم از معارف اسلامی و مبانی اخلاقی و فلسفی است و بیانگر زیباترین و عاطفی‌ترین لحظات زندگی او بود که سکر عارفانه شعرش مشام موحدان را می‌نوازد و روح تعبد و نیایش را در آدمی حلاوتی آسمانی می‌بخشد. عمق اندیشه و قدرت بیان او به شعرش رونق خاصی بخشیده و برای ادبیات معاصر افغانستان اعتبار آفریده است.

امور فرهنگی، هنری موسسه خیریه امام جواد(ع) به پاس خدمات و زحمات ارزنده شادروان استاد تابش، بر آن شد که مجموعه‌ای در نظم و نثر به یادبود و بزرگداشت دومین سالروز رحلت آن فرهان منتشر سازد و از صاحب‌نظران و اندیشمندان طلب همکاری نماید.

جمعی از فرهنگیان، شاعران، فرهیختگان و مشایخ هموطن درخواست ما را اجابت کردند و مقالات، یادداشتها، خاطرات و شعرهایی در اختیار ما گذاشتند که در دو بخش از این یادنامه، با ترتیب الفبایی نام آنان، درج شده است.

در این فرصت از لطف صمیمانه و مراحم بی‌شمارشان مراتب تشکر و قدردانی خود را ابراز داشته، از خداوند سبحان تمنا داریم که در ادامه

مقدمه / ۱۳

این مسیر دشوار ما را مثل گذشته در یاری‌رسانی (مادی و معنوی) و خدمتگزاری به عموم مردم نیرو و مدد رساننده و جامعه اسلامی ما را از محروم و سببخون بی‌امان فکری و فرهنگی بیگانگان و بدخواهان مصون بدارد. و آخر دعوانا انالحمد لله رب العالمین.

محمدرقیع اصیل یوسفی
سرپرست کانون هنرهای زیبا
بهار ۱۳۹۱